سرمقاله: اوپک؛ مؤثر اما منفعل و نیازمند استراتژی بلند مدت

حسن تاش، سید غلامحسین

سرمقاله

مقدمه

در دو دههء اخیر اظهارنظرها و تحلیل‏های‏ کاملا متفاوت و بعضا متناقضی در رابطه با هویت،قابلیت و توانایی اوپ ارائه شده‏ است،در بعضی مقاطع عده‏ای عمر اوپک را خاتمه یافته و دوران آنرا سپری شده و عده‏ای‏ دیگر در شرایطی دیگر صریحا یا تلویحا اوپک را سازمانی نافذ و مؤثر در اداره کردن‏ بازار جهانی نفت دانسته‏اند.در دو سال اخیر که اوپک با انضباط بیشتر در تولید خود بازار جهانی نفت را به نفع خود تنظیم نموده است، بیشتر شاهد اظهار نظرهایی از نوع دوم و در سالهای قبل از آن شاهد اظهارنظرهایی از نوع‏ اول بودیم.س)ال اینست که:این تحلیل‏های‏ متعارض ناشی از چیست؟و چه چارچوبی را در رابطه با رفتار اوپک می‏توان ارائه نمود که‏ از جامعیت لازم برخوردار بوده و به این‏ تناقضات پایان دهد.

منفعل اما مؤثر به نظر من تحلیل جامعی که بتواند تحلیل‏گران را از این سرگردانی خارج کند

اینست که اوپک سازمانی است منفعل اما مؤثر،آنها که عمدتا به انفعال اوپک توجه‏ دارند تحلیل‏هی نوع اول و آنها که بر اثرگذاری اوپک توجه دارند تحلیل‏هایی از نوع دوم را ارائه می‏کنند.

وقتی شما در خیابان بطور عادی قدم‏ می‏زنید اگر فردی به صورت ناگهانی به شما حمله‏ور شده و مثلا با صدای بلند شما را متهم به دزدی نماید و مردم را در اطراف شما جمع کند شما از همین لحظه در شرایط انفعال قرار می‏گیرید اما البته به هر اقدامی‏ می‏توانید دست بزنید حتی می‏توانید به آن‏ شخص آسیب وارد کنید و در عین حال‏ می‏توانید بدون کوچکترین واکنشی خود را در اختیار جو و شرایط قرار دهید،به عبارت‏ دیگر می‏توانید در این صحنه کاملا مؤثر و یا کاملا غیر مؤثر باشید اما در هر حال منفعل‏ خواهید بود،چرا که در اصل ابتکار عمل در دست شما نیست و دیگری شما را از مسیر عادی‏تان بازداشته است.این مثال بسیار ساده،برای روشن شدن منظور ارائه شد اما هر چقدر طرف مقابل شما با استراتژی‏ جامع‏تر و برنامه‏ریزی پیچیده‏تر به سراغ شما آمده باشد انفعال شما شدیدتر خواهد بود ولی همانگونه که اشاره شد در همین انفعال‏ شما می‏توانید کاملا مؤثر باشد و یا کاملا غیر مؤثر بوده و بدنبال سرنوشت حرکت‏ کنید.البته این انفعال غیرقابل خروج نیست و می‏تواند از تعقل،درایت و برنامه‏ریزی میزان‏ تأثیرگذاری را به حدی رساند که از انفعال نیز خارج شد.

تاریخچه انفعال‏ اوپک به نیمهء دوم دهه‏ 1970 و به دوران پس از تشکیل آژانس بین‏المللی‏ انرژی (IEA) برمی‏گردد.

«آژانس بین‏المللی‏ انرژی»پس از شوک اول نفتی برای سامان‏ دادن به وضعیت انرژی کشورهای توسعه‏ یافته عضو OECD بوجود آمد.بیست و چند کشور عضو این آژانس،در آن زمان بیش از 62% انرژی دنیا را مصرف می‏کردند وامروز نیز قریب 53% کل انرژی دنیا توسط این‏ کشورها مصرف می‏شود.آژانس بین‏المللی‏ انرژی به تدریج توانست مصرف انرژی‏ کشورهای عضو را تحت نظم و قاعده درآورده‏ و خطوط استراتژیک را در درجه اول برای‏ مسائل انرژی کشورهای عضو و سپس برای‏ کل جهان طراحی نماید.به تدریج که‏ استراتژیها و سیاستهای IEA به اجرا گذاشته‏ شد و به تحقق پیوست انفعال اوپک نیز تشدید شد.مقایسه‏ای بین حوزه نفوذ و فعالیت اوپک و IEA تصویر روشن‏تری را ارائه خواهد نمود.

1)همانطور که اشاره شد کشورهای عضو IEA بیش از 50% کل انرژی دنیا را به‏ مصرف می‏رسانند،میزان تولید انرژی این‏ کشورها نیز در همین حدود است،در حالیکه‏ مجموعهء OPEC کمتر از 20% انرژی دنیا را تولید و کمتر از 10% آنرا مصرف می‏کند.ضمن اینکه IEA از ابزارهایی برای‏ اداره غیر مستقیم روند تولید و مصرف انرژی‏ در سایر کشورهای جهان نیز برخوردار است.

2) IEA به کل انرژیها می‏پردازد و برای‏ همه حامل‏های انرژی و در یک چارچوب‏ کلان برنامه‏ریزی می‏کند در صورتیکه فعالیت‏ اوپک تنها در محدودهء نفت باقی مانده است.

3)مهمتر و اساسی‏تر از همه اینکه IEA استراتژیهای بلندمدت دارد در صورتیکه‏ اوپک به تصمیم‏گیری‏های مقطعی و کوتاه مدت بسنده کرده است و البته در این‏ محدوده مؤثر نیز بوده است.

همانطور که اشاره شد مهمترین عامل‏ انفعال همین عامل اخیر است و اوپک راهی‏ برای خروج از انفعال نخواهد داشت جز اینکه به طرحی استراتژی بلندمدت بپردازد، تا زمانی که رقیب شما مسئله را در چارچوبی‏ وسیع‏تر و کلان‏تر مورد ملاحظه قرار داده و برای دوره‏ای طولانی‏تر به آن می‏پردازد و شما مسئله را محدودتر دیده و برای دوره‏ای‏ کوتاه‏تر تصمیم‏گیری می‏کنید قطعا منفعل‏ خواهید بود.

بدون تردید تداوم موفقیت هر بنگاه‏ بزرگ اقتصادی در گروه دارا بودن یک‏ استراتژی طولانی مدت است که طی آن‏ شرایطی فراتر از تحولات روزمره و کوتاه مدت مورد توجه خاص و مداوم قرار گیرد.

سابقه تدوین استراتژی بلندمدت در اوپک

برای اولین بار در سال 1975 در جریان‏ اولین اجلاس سران کشورهای عضو اوپک که‏ در الجزایر تشکیل شد موضوع تشکیل کمیته‏ استراتژی بلندمدت پیشنهاد شد و مورد پذیرش قرار گرفت اما تا سه سال پس از آن‏ یعنی تا تابستان 1987 که وزیر نفت وقت‏ عربستان وزرای نفت کشورهای مؤسس‏ اوپک و الجزایر را به یک اجلاس غیر رسمی‏ در شهر طائف دعوت کرد عملا هیچگونه‏ اقدامی در این راستا صورت نپذیرفت.در اجلاس طائف وزیر نفت عربستان به عنوان‏ رئیس کمیته مذکور انتخاب شد و این اولین‏ بار بود که یک کمیته کارشناسی سازمان‏ اوپک تحت نظر یک وزیر به فعالیت‏ می‏پرداخت که شاید حکایت از اهمیت‏ مبحث استراتژی بلندمدت برای این سازمان‏ داشت.متعاقبا در جریان اولین جلسهء این‏ کمیته که در ماه ژوئن 1978 تشکیل شد رئیس جلسه بررسی بر روی اهداف و مأموریت‏های زیر را به جلسه پیشنهاد نمود:

1-جایگاه نفت در تأمین نیازهای انرژی‏ جهان.

2-برخورد اوپک با شرایط نوین اقتصاد جهانی.

3-حفظ قدرت خرید درآمد حاصل از نفت،با توجه به مقولهء تورم جهانی و نوسانات‏ ارزش دلار.

4-محاسبه قیمت نفت در رابطه با میزان‏ کشش قیمتی تقاضا برای نفت.

5-هزینه تمام شده انرژی‏های جانشین.

6-رابطه بین نفت و انرژی و سایر مسائل اقتصادی جهان در مباحثات شمال و جنوب

طی جلسات بعدی مقرر شد که علاوه بر موضوعات فوق موارد زیر نیز مورد بررسی‏ قرار گیرد.

1-چگونگی برخورد اوپک با مالیات بر فرآورده‏های نفتی در کشورهای صنعتی با توجه به اینکه این مالیاتها تقاضا را بطور مصنوعی کاهش می‏دهد.

2-همکاری اعضاء اوپک به منظور افزایش تولید فرآورده‏های نفتی.

3-گسترش نقش اوپک در صحنه‏های‏ بین‏المللی جهت کسب امتیازات از طریق‏ استفاده مطلوب از قدرت تجاری سازمان.

4-اجرای برنامه کنترل تولید بویژه در شرایط وجود مازاد عرضه در بازار به منظور جلوگیری از کاهش قیمت نفت.

5-مطالعه نقش و کارکرد شرکتهای چند ملیتی در تنظیم روابط میان کشورهای‏ تولید کننده و مصرف کننده و میزان صلاحیت‏ ایشان در ایفای این نقش.

6-ارزیابی و تدوین اصول روابط با کشورهای در حال توسعه.

بدنبال تدوین این دستور کال،دبیرخانه‏ اوپک مأموریت یافت تا با بهره‏گیری از خدمات مؤسسات مشاور اقتصادی و نفتی‏ بین‏المللی برخی از اهداف فوق‏الذکر را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.کمیته استراتژی‏ بلندمدت نهایتا پس از دریافت و بررسی‏ چندین گزارش،نتیجه مطالعات کارشناسان‏ عضو اوپک و کارشناسان بین‏المللی را،در چهار زمینه ذیل به اجلاس اوپک تقدیم‏ نمود:

1-بررسی دورنمای عرضه و تقاضای‏ نفت در بلندمدت

2-پیشنهاد اتخاذ استراتژی بلندمدت‏ قیمت‏گذاری

3-روابط با کشورهای صنعتی

4-روابط با کشورهای در حال توسعه.

در جلسه وزارتی که در شهر دهران‏ عربستان تشکیل شد استراتژی اوپک در خصوص قیمت‏گذاری نفت خام بر پایه سه‏ اصل زیر توسط عربستان سعودی پیشنهاد شده بود:

الف-تعدیل قیمت نفت برای جبران‏ تورم قیمت کالاهای واردات اعضاء اوپک بر اساس شاخص قیمت کالاهای صادراتی‏ کشورهای صنعتی

ب-تعدیل قیمت برای جبران نوسانات‏ ارزش دلار براساس بکارگیری سبد ارزی

ج-افزایش قیمت نفت معادل رشد تولید ناخالص ملی کشورهای صنعتی

در برابر این پیشنهاد که از فرمول‏ محدودی پیروی می‏کرد،سایرین نقطه‏ نظراتی را عنوان نمودند که دارای جنبه‏های‏ بنیادی‏تر و عمدتا در جهت سوق دادن‏ قیمت‏ها به سطحی بالاتر بود.در هر صورت‏ فعالیت کمیته مزبور به علت کشمکش‏های‏ درون سازمان و با توجه به شرایط حاکم بر بازار برای مدتی طولانی به تعویق افتاده و حتی شکل اصلی آن تغییر کرد.

با وقوع بحران نفتی سال 1986 و متعاقبا با تغییر وزیر نفت وقت عربستان،فعالیت این‏ کمیته متوقف گردید.در سال 1988 طبق‏ درخواست اجلاس وزرا کوشش مجددی از سوی دبیرکل شروع شد که ظاهرا به لحاظ اختلافات اصولی مابین اعضاء در اهداف‏ بلندمدت اوپک و فقدان روحیه تفاهم تداوم‏ پیدا نکرد.بنابراین امر مهم تدوین استراتژی‏ بلند مت برای اوپک هنوز تحقق نیافته است‏ و اوپک کماکان نیازمند استراتژی بلندمدت‏ است.

پیشنهاد خطوط راهنما برای تدوین‏ استراتژی

بدون شک استخراج و تدوین استراتژی‏ بلندمدت برای سازمان اوپک آن هم در شرایط پیچیده اقتصادی نوین جهان از دشواری و پیچیدگی برخوردار است و متعاقبا طلب می‏کند که کارشناسان نبخه‏ کشورهای عضو اوپک و حتی کارشناسان و متخصصین مستقل از خارج از اوپک در چارچوب یک سازماندهی کارآمد بکار گرفته‏ شوند و به تدوین این استراتژی بپردازند.و لذا در اینجا صرفا در حد فتح باب مسائلی را مطرح می‏کنیم.

همانطور که اشاره شد در شرایط متحول‏ امروزه جهان مسائل و پدیده‏های متعدد و متنوعی در مقابل اوپک قرار دارد که اوپک‏ باید رابطه و نسبت خود را با این مسائل و پدیده‏ها تعریف نموده و روشن نماید اما قبل‏ از هر چیز اوپک باید در مسیری حرکت کند که منجر به انسجام درونی این سازمان گردد در صورتی تحقق این اسنجام بسیاری از مسائل اوپک حل شده و یافتن راه حل سایر مشکلات نیز تسهیل خواهد شد بنظر من در این راستا مهمترنی مسئله‏ای که در پیش روی‏ اوپک قرار دارد مسئله منضبط کردن‏ ظرفیت سازی تولید در کشورهای عضو اعم‏ از میزان ظرفیت سازی و نحوه آنست.اعضاء اوپک تاکنون صرفا به تسهیم قطعی میزان‏ تولید اعضاء متناسب با سقف تولید تعیین‏ شده پرداخته‏اند اما برای برنامه‏ریزی‏ بلندمدت باید به تسهیم ظرفیت‏های تولید بپردازند برای این منظور باید مسائل زیر مورد توجه قرار گیرد.

1-لازم است روند عرضه و تقاضای‏ بلندمدت انواع حاملهای انرژی در مناطق‏ مختلف جهان حداقل برای 20 تا 25 سال‏ آینده مورد بررسی و مطالعه جدی قرار گیرد. و نتایج آن خصوصا در رابطه با خالص‏ تقاضای جهانی برای نفت اوپک در دوره‏ مورد نظر پس از طی مراحل لازم به بالاترین‏ رکن اوپک یعنی اجلاس وزرای نفت ارائه‏ گردد و به تصویب ایشان برسد.یعنی تقاضای‏ بلندمدتی که مورد توافق همه اعضاء اوپک‏ است ملاک برنامه‏ریزی قرار گیرد.در این‏ رابطه ذکر این نکته لازم بنظر می‏رسد که: پیش‏بینی‏های مختلفی در رابطه با روند عرضه‏ و تقاضای جهانی انرژی و سهم اوپک،تا سال‏ 2020 توسط مراکز مختلف ارائه گردیده‏ است اما بررسی مقدماتی نشان می‏دهد که‏ غالب این پیش بینی‏ها از اعتبار لازم‏ برخوردار نیست و بسیاری از آنها نیز با نیاتی‏ خاص ارائه گردیده است بنابراین بررسی‏ مورد نظر باید بصورت مستقل توسط دبیرخانه اوپک و تحت نظارت کارشناسان‏ خبره کشورهای عضو انجام پذیرد.

2-پس از روشن شدن میزان تقاضای‏ بلندمدت برای نفت اوپک،لازمست ملاک‏ تسهیم ظرفیت تولید اعضاء تعیین گردیده و این نیز به تصویب بالاترین رکن سازمان‏ برسد.در این رابطه شاخصهای مختلفی مانند میزان ذخائر،جمعیت،وسعت،وضعیت و مشکلات اقتصادی،تولید تاریخی،مصرف‏ داخلی انرژی و...می‏تواند مورد توجه قرار گیرد.

3-پس از انجام مراحل فوق و بر مبنای‏ نتایج آن باید اعضای اوپک در مورد میزان‏ ظرفیتهای آتی کشورهای عضو در دوره مورد نظر به توافق برسند و پس از آن هر یک از اعضاءصرفا در چارچوب ارقام تعیین شده به‏ جذب سرمابه و ظرفیت سازی تولید بپردازند.

4-در این رابطه،توجه به ظرفیتهای مازاد نیز از اهمیت ویژه برخوردار است در اختیار داشتن ظرفیتهای مازاد تولید نیز باید منضبط بوده و در چارچوب همین برنامه‏ریزی قرار گیرد وقتیکه ظرفیت سازی تولید از نظم و برنامه‏ریزی برخوردار شده طبعا نیازی به‏ ظرفیت مازاد وجود نخواهد داشت.تنها ممکن است با توجه به عدم اطمینانهایی که‏ در پیش بینی تقاضا وجود دارد و همچنین به‏ منظور برخورداری اوپک از انعطاف لازم‏ برای بهره‏گیری به موقع از فرصتهای افزایش‏ تولید،مقداری ظرفیت اضافی مورد نیاز باشد که سقف آن نیز باید به تصویب رسیده و بعنوان درصدی از ظرفیت تولید بین اعضاء تسهیم گردد.

5-در صورت تحقق موارد فوق رقابت‏ کاذب و بی منطق اعضاء اوپک برای جذب‏ سرمایه در بخش بالادستی صنعت نفت نیز تعدیل خواهد شد بنابراین بهتر است که‏ اعضاء اوپک در میان خود این رقابت را بطور کل کنار گذاشته و به منظور رقابت با کشورهای غیر اوپک شیوه‏های واحدی را در جذب سرمایه و عقد قرارداد با شرکتهای نفتی‏ به اجرا گذارند.

در هر حال شیوه گذشته کشورهای اوپک‏ این بوده است که بصورت انفرادی اقدام به‏ ظرفیت سازی نموده‏اند و پس از اتمام‏ پروژه‏ها و افزایش ظرفیت تولید خود آنرا به‏ دیگران تحمیل نموده‏اند که معمولا نیز با تخریب بازار همراه بوده است.در صورتی که‏ با تحقق آنچه گفته شد این مشکل اصلی و اولیه مرتفع گردد و نیز اعضاء اوپک انسجام‏ خود را بیازمانید مسائل بسیار دیگری نیز وجود دارد که کمیته استراتژی بلندمدت‏ اوپک باید به آن بپردازد بعضی از مهمترین‏ این موارد به شرح زیر است:

1-اوپک باید نسبت خود را با کنوانسیونهای بین‏المللی محیط زیست که در

پس از روشن‏ شدن‏ میزان‏ تقاضای‏ بلندمت‏ برای‏ نفت اوپک، لازمست ملاک‏ تسهیم ظرفیت‏ تولید اعضا تعیین گردد

مرحله مذاکره و شکل‏گیری است روشن‏ نموده و برای اجرای آن به اقدام هماهنگ‏ جمعی بپردازد.

2-مسائلی مثل WTO ،جهانی شدن‏ اقتصاد،منشور پیمان انرژی (Energy CharterTreaty) ،پول واحد اروپایی و... مسائلی هستند که اوپک باید نسبت و ارتباط خود با این مسائل را تعریف و روشن نموده و اقدامات مربوطه را برنامه‏ریزی نماید.

اجلاس سران و استراتژی بلندمدت

همه کشورهای عضو اوپک دعوت کشور ونزوئلا جهت شرکت در اجلاس سران‏ کشورهای عضو این سازمان را پذیرفته‏اند، گرچه اخیرا ونزوئلا به خاطر مشکلات خود زمان برگزاری این اجلاس را به تعویق‏ انداخت اما بنظر می‏رسد که با توجه به جمیع‏ شرایط و روابط کنونی کشورهای مهم عضو اوپک،دومین اجلاس سران این سازمان به‏ زمان برگزاری خود بسیار نزدیک گردیده‏ است.

این اجلاس در صورت تشکیل فرصت‏ بسیار مناسبی برای پرداختن به مقوله مهم‏ تدوین استراتژی بلندمدت خواهد بود.امید است همانگونه که در اولین اجلاس سران‏ اوپک بنیان تشکیل کمیته استراتژی بلندمدت‏ گذاشته شد در دومین اجلاس نیز این مهم به‏ جد پیگیری شود و سران اوپک تدوین‏ استراتژی را مصرانه به وزرا تکلیف نمایند.